

زبان چیست؟

ابزار انتقال پیام و ایجاد ارتباط

زبان تنها وسیله تفکر و ارتباط انسان است. انسان بدون زبان ابزار تفکر در اختیار ندارد. هر قوم یا قبیله ای با زبان خود تعقل و تکلم کرده و ارتباط برقرار می کند و بدون زبان، ارتباط بین انسان ها میسر نیست. اگر زبان بخواهد ثبت غیر ذهنی داشته باشد به وسیله ای به نام خط احتیاج دارد.

## ویژگی های زبان

الف- زبان یک نظام است.

ب- **دوساختی بودن زبان:** ( واژه ها علاوه بر مفهومی که به ذهن انسان متبادر می کنند در ساخت بزرگ تری قرار می گیرند و یک معنای جدید خلق می کنند ).

پ- **زیایی زبان :** ( می توان با استفاده از الگوهای محدود در زبان جملات نامحدود ساخت).

ت- **نابه جایی زبان:** ( زبان این توانایی را به ما می دهد که بتوانیم برای موجوداتی خیالی وجود خارجی قائل شویم؛ یعنی برایشان تصویری تخیلی تجسم کنیم).

## زبان شناسی :

مطالعه ای علمی زبان را، زبان شناسی می نامند که به شاخه های مختلفی تقسیم می شود:

آواشناسی، گونه شناسی، واج شناسی، معناشناسی.

## آواشناسی (Phonetic):

مطالعه ای اصوات گفتار را تشکیل می دهد و با خواص فیزیکی اصوات گفتار مرتبط است.

## گونه شناسی :

شاخه ای از دانش زبان شناسی است که در آن به مقایسه ی ویژگی های دستوری میان زبان های گوناگون پرداخته می شود.

## واج‌شناسی (Phonology) :

بررسی نظام آوایی زبان، مورفولوژی و تعیین عناصر آوایی زنجیری و زبررنجیری است و در آن به مطالعه‌ی آوا، واج، واجگونه، هجا، تکواژ، تکیه، آهنگ پرداخته می‌شود.

## معناشناسی (Semantic) :

بررسی معانی در زبان‌های انسانی همچنین بررسی ارتباط میان معنا و واژه

## واج

واج کوچک‌ترین بخشِ گفتارست که انداختن یا جای‌گزینی آن بتواند دگرگونی معنایی پدید آورد.

واج‌ها را میان دو خطِ اریب می‌گذاریم مثلاً: /m/ یا /م/

واج‌ها یا **صامت** (همخوان - بی‌صدا) هستند یا **مصوت** (واکه - صدادار)

## صامت یا همخوان

واج‌هایی که در ادای‌شان بخشی یا همه‌ی راهِ جریانِ هوا بسته شود همخوان نامیده می‌شوند. نشانه‌ی عمومیِ واکه در آوانگاری C است.

## واکه یا مصوت

واج‌هایی که در ادای‌شان هیچ فشارِ هوایی بالاتر از گلو پدید نمی‌آید واکه نامیده می‌شوند. نشانه‌ی عمومیِ واکه در آوانگاری V است.

## واجگونه

در واج‌شناسی به هریک از گونه‌های مجزای یک واج در یک زبان مشخص، واج‌گونه می‌گویند. برای مثال، واج /k/ در واژه‌های فارسی کار و کینه متفاوت گفته می‌شوند. در

کار از چسبیدن پشتِ زبان به نرمکام و در کینه از چسبیدن وسط زبان به سختکام تولید می‌شود.

## هجا

یک هجا یا بخش، که به آن سیلاب هم می‌گویند، یک واحد سازمان‌دهنده برای سلسله صداهای گفتاری است. هجا اساساً از یک هسته همراه با لبه‌های آغازین و پایانی تشکیل می‌شود.

## تکواژ

تکواژ کوچک‌ترین واحد معنایی یا دستوری زبان است که از یک یا چند واج پدید آمده است. به عبارت دیگر، کوچک‌ترین واحد معنا دار یا معنا ساز زبان را تکواژ می‌گویند.

تکواژها دو دسته هستند : آزاد – وابسته

**الف) تکواژ آزاد:** تکواژی را گویند که چه به تنهایی به کار رود و چه در ساختمان واحد بزرگ تر، معنی داشته باشد. مانند: کتاب – دست – رفت .

## ب) تکواژ وابسته:

تکواژ هایی را گویند که مستقلاً معنی نمی دهند؛ بلکه در ساختمان واحد بزرگ تر از خود به کار گرفته می شوند تا مفید معنی گردد. مانند: شناسه‌ها، علامت‌های صفت تفضیلی و ...

## تکواژ گونه ( Allomorph ) :

یک واحد زبان‌شناختی است و به یکی از چند صورتِ زبان می‌گویند که نماینده‌ی یک تکواژ باشد. تکواژ گونه معمولاً از چند واج تشکیل شده‌است. این مفهوم زمانی اتفاق می‌افتد که یک واحد معنادار، بدون تغییر در معنا، در تلفظ تغییر کند. مانند : را : رو .

## صرف:

تکواژشناسی یا صرف یا ساخت‌واژه که به علم صرف نیز شناخته می‌شود؛ بخشی از دستور زبان است که ساخت‌واژه را مورد تحلیل قرار می‌دهد. به سخن دیگر، ساخت‌واژه به شناخت تکواژها و راه‌های هم‌نشینی آن‌ها با یکدیگر در قالب‌های نحوی و نیز در واژه‌سازی می‌پردازد.

### نحو:

نحو یا جمله‌شناسی به دانش مطالعه‌ی قواعد مربوط به نحوه‌ی ترکیب و در کنار هم آمدن واژه‌ها به منظور ایجاد و درک جملات در یک زبان اطلاق می‌شود.

### تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان ( Discourse Analysis ) که در زبان فارسی به سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که در اواسط دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در پی تحولات معرفتی در علوم اجتماعی و انسانی ظهور کرد. این گرایش به دلیل بین‌رشته‌ای بودن به زودی به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی قرار گرفت.

### تعریف گفتمان

گفتمان ( Discourse ) شکلی از کاربرد گفت و گو است، اما به صورتی کلی‌تر. بدین معنا که در گفتمان تنها معنای ظاهری مطرح شده در گفتگو نقش ندارد بلکه شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به صورت پنهان با خود در بردارد.

### تاریخچه تحلیل گفتمان

این اصطلاح برای نخستین‌بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله یک زبان‌شناس معروف انگلیسی به نام زلیک هریس ( Zellig Harris ) به کار رفت. زلیک هریس تحلیل گفتمان را صرفاً

نگاهی صورت‌گرایانه و ساختارگرایانه می‌داند. یعنی دیدگاهی که توجه به جمله شکل و صورت متن دارد و نه کارکردگرایانه که به کارکرد متن و واحدهای زبانی متمرکز است.

در تحلیل گفتمان، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه، دیگر صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله بعنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنا سروکار نداریم، بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی ( context of situation )، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، ارتباطی و غیره سروکار داریم. تحلیل گفتمان، روشی نوین برای پژوهش در متن‌های ارتباطی است که برای شناخت پیام و معنی به کار رفته در پیام‌های ارتباطی کاربرد یافته است. این روش در آغاز تا حد زیادی وامدار زبان‌شناسی بوده است. بسیاری از زبان‌شناسان هم به این قول "مالینوفسکی" استناد می‌کنند که می‌گوید: "مفهوم و معنی در دل کلمات نهفته نیست، بلکه معنی در "اوضاع و احوال" اجتماعی، وضع ادای کلمات، ساختمان جمله، اثر کلمات مجاور بر یکدیگر و ده‌ها عامل دیگر مبتنی می‌باشد".

## اهداف تحلیل گفتمان

مهمترین اهداف تحلیل گفتمان را به این ترتیب خلاصه کرد:

- ۱- نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن و خواننده
- ۲- روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیده تولید متن یعنی "جریان تولید گفتمان"
- ۳- نشان دادن تاثیر بافت متن ( واحدهای زبانی ) و بافت موقعیتی ( عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و شناختی ) بر روی گفتمان
- ۴- نشان دادن موقعیت و شرایط خاص تولید کننده گفتمان ( شرایط تولید گفتمان )

۵- نشان دادن بی‌ثباتی معنا؛ یعنی معنا همیشه در حال تغییر است، هرگز کامل نیست و هیچ وقت به‌طور کامل درک نمی‌شود.

۶- آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی. تحلیل گفتمان از بدو پیدایش همواره در صدد بوده است تا نشان دهد که هیچ متن یا گفتار و نوشتاری بی‌طرف نیست بلکه به موقعیتی خاص وابسته است. این امر ممکن است کاملاً غیر عمدی و ناآگاهانه باشد.

۷- و هدف عمده تحلیل گفتمان این است که تکنیک و روش جدیدی را در مطالعه متون، رسانه‌ها، فرهنگ‌ها، علوم، سیاست، اجتماع و... بدست دهد. مبادی فکری این روش همان پیش‌فرض‌های پسامدرن هستند.

### تحلیل گفتمان انتقادی

گفتمان انتقادی، بحث تحلیل گفتمان را یک سطح ارتقا می‌دهد. تحلیل گفتمان از نظر شمول معنایی در گستره‌ای فراتر از زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی انتقادی به همت متفکرانی چون ژاک دریدا، میشل پشو و میشل فوکو و به ویژه توسط اندیشمندانی چون ون دایک و نورمن فرکلاف که به‌طور مستقیم به این رشته اهتمام ورزیدند، وارد مطالعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شد و شکل انتقادی به خود گرفت.

یعنی اگر تحلیل گفتمان را سطح توصیف بدانیم، آن را به سطح تفسیر و تبیین می‌رساند و ضمن توصیف و تفسیر متن، به این سوال پاسخ می‌دهد که چرا از میان گزینه‌های ممکن زبانی باید این متن را انتخاب کرد و در طی یک واقعه مشخص چرا اشخاص از عبارات زبانی و دستوری خاصی استفاده می‌کنند. تحلیل گفتمان انتقادی این چراها را کمتر به نویسنده مرتبط می‌کند. بلکه بنگاه‌ها و مراکزی که این مجموعه را اداره می‌کنند و فرد

هم جزئی از آن است، این متن را رقم می‌زند. در اصل می‌گوید تولید و فهم متن با عوامل بافت‌های کلان یعنی تاریخ، ایدئولوژی، جامعه، فرهنگ و قدرت مرتبط است.

از سوی دیگر نگاه انتقادی آن معطوف به سویه‌ای است که زبان را آینه شفاف می‌داند که مفاهیم و اندیشه‌ها را منتقل می‌کند. تحلیل گفتمان انتقادی بر این باور است که زبان برخلاف این تعریف مثل آینه یا شیشه ماتی است که حقایق را در بسیاری موارد تحریف می‌کند.

فوکو معتقد بود که زبان‌شناسان تاکنون از ابزارهای زبانشناختی تشکیل متن صحبت کرده‌اند اما به خدمت گرفتن این ابزارها به‌طور کامل باعث می‌شود به لایه‌های معنایی دست یابیم اما لایه‌های معنایی دیگری هم در این متن هست که تاکنون از چشم آنها دور مانده است.

این نظر فوکو به رویکردی در درون تحلیل گفتمان با عنوان CDA، زبان‌شناسی گفتمان انتقادی یا تحلیل گفتمان انتقادی مطرح شد. فوکو معتقد بود هیچ متنی عاری از القاءات ارزشی، روابط قدرت و مولفه‌های فرهنگی نیست. اگر قرار است متنی تفسیر بشود ما باید درصدد یافتن این لایه‌های معنایی نیز باشیم.

تحلیل گفتمان انتقادی معتقد است که رد پای تاریخ، جهان‌بینی، ارزش‌ها، مولفه‌های اجتماعی – فرهنگی، در جای‌جای زبان مشهود است.

**کار تحلیل‌گر متن این است که** ورای این معانی که تحلیل گفتمان متعارف می‌دهد، برود و این لایه‌های معنایی را نیز بگوید. یعنی کسی که در متون سیاسی و رسانه‌ای کار می‌کند، باید به خواننده این آگاهی را بدهد که چه متنی را می‌خواند و لایه‌های معنایی آنچه می‌خواند را بر او آشکار می‌کند.

**تحلیل گفتمان انتقادی وندایک**

وندایک (۱۹۹۵) بر نقش شناخت در تحلیل انتقادی گفتمان، ارتباطات و تعاملات اجتماعی متمرکز شد. او موفق شد با برقراری پیوند میان سه مفهوم گفتمان، شناخت و اجتماع مثلثی را شکل دهد که مبنای رویکرد متمایزش به تحلیل انتقادی گفتمان یعنی رویکرد اجتماعی - شناختی شد. او گفتمان را در معنای عام، یک رویداد ارتباطی در نظر می‌گیرد مانند تعامل محاوره‌ای، متن نوشتاری، تصاویر و جنبه‌های نشانه‌شناختی و چندرسانه‌ای دیگر مرتبط با دلالت معنایی.

در پرسش از وندایک مبنی بر این‌که با این حوزه‌ی گسترده‌ای که برای حوزه‌ی گفتمان تعریف کرده‌ای، در تحلیل گفتمانی باید کدام مؤلفه را تحلیل کنیم؟ پاسخ می‌دهد تحلیل گفتمان در سطوح و ساختارهای مختلف ممکن است یعنی هم می‌توان رفتارها را تحلیل کرد هم می‌توان نشانه‌ها را و هم متون را. در تحلیل متون نیز می‌توان در سطح آوایی، نحوی، معنایی، سبک‌شناختی، بدیعی، بلاغی، کاربردشناختی، بینامتنی و فرازبانی به تحلیل گفتمانی پرداخت. این بدان معناست که چیزی تحت عنوان یک تحلیل گفتمان انتقادی تمام و کمال وجود ندارد بلکه ما ناگزیر به گزینش برخی از مؤلفه‌های مورد مطالعه هستیم. (وندایک، ۲۰۰۱: ۹۹).

این نظریه بر یک مربع موسوم به «مربع ایدئولوژیک» استوار است. ارکان این مربع فقط در نزاع‌های گروهی و تعامل با گروه‌های مخالف به کار گرفته نمی‌شود بلکه اغلب هنگامی که درباره‌ی خود و دیگران فکر می‌کنیم نیز خودآگاه و ناخودآگاه همین چهار اصل بر تفکران، احساسات و رفتارمان حاکم است.

### ارکان این مربع عبارتند از :

- ۱- بیان و تأکید بر اطلاعاتی که حاوی نکات مثبت درباره‌ی ما ( خودی ) است.
- ۲- بیان و تأکید بر اطلاعاتی که حاوی نکات منفی درباره‌ی آن‌ها ( دیگری ) است.
- ۳- توقیف و رفع تأکید از اطلاعاتی که حاوی نکات منفی درباره‌ی ما ( خودی ) است.



۴- توقیف و رفع تأکید از اطلاعاتی که حاوی نکات مثبت درباره‌ی آنها (دیگری) است. این چهار رکن به دو رکن کلی‌تر قابل تقسیم است: توصیف مثبت گروه خودی و اعضای آن و توصیف منفی گروه مقابل با دشمنان و مخالفان. این ایده در بسیاری از نظریه‌های رفتاری و اجتماعی دیگر هم مشاهده می‌شود.

### اصول همیاری گرایس در تحلیل گفتمان

به نظر گرایس، تحت تأثیر کانت، چهار اصل مهم در همکاری وجود دارد: ۱- اصل کمّیت، ۲- اصل کیفیت، ۳- اصل رابط، ۴- اصل شیوه

#### ۱- اصل کیفیت

در فرآیند گفت و گو باید از بیان کردن آنچه از صحت آن اطمینان نداریم یا برای بیان آن دلایل کافی نداریم، خودداری کنیم. به عبارت دیگر تمامی صحبت‌های ما باید صحیح و راست باشد.

#### ۲- اصل کمیت

به اندازه لازم سخن بگوییم، نه بیشتر از اندازه مورد نیاز نه کمتر از آن.

#### ۳- اصل روش

شفاف، ساده و روشن سخن بگوییم و از مبهم‌گویی پرهیز کرده و موجز و خلاصه سخن بگوییم.

#### ۴- اصل ارتباط

باید مرتبط با موضوع سخن بگوییم، از صحبت کردن در باره مسائلی که به موضوع ارتباطی ندارد، خودداری کنیم.

#### ۵- معنای معناشناختی

معنایی که با توجه صرف به صورت ظاهری واژه از آن برمی آید.

#### ۶- معنای کاربردشناختی

معنایی که به درک غیرمستقیم کلام در تعامل طرفین گفت‌وگو و نیز تفسیر گفتار از منظور کلام اشاره دارد.